



مقدمه

از زمانی که بشر به زندگی اجتماعی روی آورد، برای رفع نیازهای خود همواره در کارهای دسته جمعی و گروهی نیاز به هماهنگی و رهبری و در بسیاری موارد برنامه ریزی و سازماندهی پیدا کرد.

در هر زمینه ای که برای تحقق اهداف دسته جمعی نیاز به همکاری پیدا می شد.

ولی واقعیتی که وجود دارد این است که بدون وجود اندیشه مدیریتی از بدو زندگی اجتماعی انسانها، یا از بدو تاریخ، عمل مدیریت وجود داشته است.

بررسی تاریخ ملل باستانی مانند مصر، چین، ایران و روم نشانگر آنست که بدون وجود سیستمهای منطقی



از اعمال سازمان یافته و نظام دار و بدون مدیریتی
دقیقی امکان اجرای سیستمهای آبیاری و کشاورزی
منظم برای آبادانی سرزمینهای آنها، ساختن آثار معماری
بسیار عظیم و دقیق و زیبا و بسیاری از موارد دیگر
امکان پذیر نبود.

مدیریت چیست؟

انسان برای میل به مقاصد خود و جهت دادن به
فعالیتها در راستای هدفهایش به سرپرستی، نظارت
و هماهنگی و هدایت نیاز دارد. مجموعه وظایفی که
رفتار و فعالیتهای سازمان را در مسیر هدف تنظیم
تداوم فعالیت خود به مدیریت نیاز دارد. مدیر کسی
است که این گردونه را می چرخاند. به کارگرفته شدن
منابع، دانش، مهارت ها و نیروی انسانی با بیشترین



ظرفیت که به کارآیی و اثربخشی می انجامد؛ وضعیت
که از یک سو بهره وری را برای سازمان به ارمغان می
آورد و از سوی دیگر از اتلاف وقت، هدر رفت پول و
بی ثمری جلوگیری می کند.

مدیریت بی انتهاست و پایانی ندارد

مدیریت یک شغل بسیار پر مشقت است. اگر چه هر
مدیر مسئول موفقیت واحد خود است، اما هیچ نقطه
پایانی برای شغل مدیریت وجود ندارد. یعنی هیچ وقت
یک مدیر نمی تواند بگوید ”خب کار من تموم شد“ .
برخلاف مدیر ، یک مهندس می تواند کارهایش را به
اتمام برساند. مثلا یک پروژه را تمام میکند و تحویل
می دهد. یک حسابرس کارش را تمام می کند و تحویل
می دهد. یک مدیر باید همیشه کار خودش را ادامه



بدهد. و واقعا نمی داند چه زمانی موفق می شود و چه زمانی شکست می خورد. چون یک مدیر باید پیوسته حرکت کند و برود. مدیریت پر است از اتفاقات پیش بینی نشده ، یک مدیر واقعا نمی داند امروز قرار است چه اتفاقی بیفتد. درست است پیش بینی می کند ، برنامه ریزی می کند و بر اساس آن برخی زمانها اقدام هم می کند. ولی واقعا برخی روزها اتفاقاتی می افتد که هرگز فکرش را هم نمی کرد. این را کسی مثل من می فهمد که سالها مدیریت کرده است

وظایف مدیریت ؟

سازماندهی:

از جمله مهمترین و معروف ترین انواع ساختار های سازمانی می توان ساختار وظیفه ای، ساختار مبتنی بر



تولید یا عملیات، ساختار مبتنی بر منطقه عملیات،
ساختار مبتنی بر ارباب رجوع یا مشتری، ساختار
ترکیبی، ساختار پیوندی، ساختار ماتریسی، ساختار بر
مبنای پروژه و ساختار آزاد را نام برد که توضیح و
تشریح آنها از حوصله این بحث خارج می باشد

رهبری:

برنامه ریزی وسیله ای است که مدیران و رهبران با
توسل به ان وضعیت واحد یا سازمان تحت نظارت خود
را در آینده پیش بینی و ابزار و وسایل راه حل ها و
راهبردهای مناسب برای تحقق هدف های از قبل
تعیین شده را از قبل فراهم میکنند

کنترل:



کنترل فعالیتی است. که ضمن ان عملیات پیش بینی شده با عملیات انجام گرفته مقایسه میشود و در صورت وجود اختلاف و انحراف بین آنچه باید باشد و آنچه که هست به رفع مشکل و اصلاح این نوع انحراف اقدامات لازم انجام میگردد

اهداف مدیریت:

در هر موسسه خدماتی ، بازرگانی و تولیدی به جز اهداف مشترک ، مدیریت نیز هدفهای خاصی دارد که بر اساس نیاز و یا خواستههای مالکین یا هیأت مدیره تعیین میشوند

این اهداف عبارتند از:

تحکیم روابط انسانی از طریق به کارگیری روشهای دموکراتیک.



شناخت روشهای مختلف مدیریتی.

آشنایی با نمودارهای سازمانی مربوط به کارکنان و
وظائف مدیران.

آشنایی با روش مقابله با عکس العملهای کارکنان به
هنگام ایجاد تغییرات در محیط کار و نحوه غلبه و
برخورد با آن.

سعی و کوشش در جهت ارتقاء سطح تخصص و مهارت
کارکنان از طریق آموزشهای مداوم.

برنامه ریزی استراتژیک مدیران:

مدیریت استراتژیک راهکارها و تصمیم هایی که قرار
است به ما و سازمان ما کمک کند تا در مسیر موفقیت
و دستیابی به اهداف حرکت کنیم یا در تعریف ساده
تر



کجا هستیم و قرار است به کجا برسیم. در این مسیر مدیریت استراتژیک ما را یاری خواهد کرد و موجب تعیین عملکرد بلندمدت یک شرکت است. مدیریت استراتژیک را شامل یک مجموعه کامل از تعهدات، تصمیمات و اقدامات مورد نیاز برای یک سازمان برای رسیدن به رقابت استراتژیک و کسب بازده بالاتر میباشد.